

# سلطنت پهلوی از آغاز غیرقانونی بود ورضاخان با سرنیزه از مجلس مؤسسان رأی گرفت!

■ امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، پس از ورود به ایران و لختی حضور در مدرسه رفاه، در مدرسه علوی تهران استقرار یافت. با حضور رهبر انقلاب در این منطقه از جنوب تهران، نبض حرکت‌های مردمی در سراسر کشور، در این منطقه زده می‌شد و مردم آن راه، به مثابه اصلی‌ترین و مطمئن‌ترین کانون اعتراض می‌شناختند. دوران اقامت امام در مدرسه علوی راه، می‌تواند دمو سم تغییر تاریخ قلمداد کرد چه اینکه دیدارهای گسترده و موثر مردمی، تعیین نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی، دیدار با همافران پیوسته به انقلاب اسلامی، صدور فرمان لغو حکومت نظامی و نهایتاً دستور بازگشت نیروهای مسلح به پادگان‌ها و بازپس دادن سلاح‌ها توسط مردم، در این دوره صورت گرفت. امام خمینی بنا بر آنچه پیش از پیروزی انقلابی اسلامی مطرح ساخته بود، در آغازین روزهای اسفند ۱۳۵۷، به شهر قم بازگشت و هدایت انقلاب اسلامی راه، از این شهر پی گرفت. اینک پس از سپری شدن سال‌ها، مدرسه علوی در خیابان ایران، همچنان به مثابه یادگاری از روزهای اوج‌گیری انقلاب اسلامی قلمداد و همه ساله در دهه فجر، در آن مراسمی

## مدرسه علوی تهران، در ساعت صفر تاریخ ایران!



۱ دست‌هایی که از امام تبرک می‌جستند، پیش از آن مشت شدند و بر استبداد و استعمار شوریدند! آنان این همه راه از آن بار نو آمده آموخته‌اند



۱ نشانی زکوی یار، در خیابان ایران، شهر تهران. دلیل راه مردمی که از صبحگاه ۱۳ بهمن ۱۳۵۷، سراز پای نشناخته ره به محل استقرار پیر مراد می‌بردند



۲ ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۷. اولین گفت و شنود مطبوعاتی امام خمینی، با نمایندگان رسانه‌های سراسر جهان، در آمفی‌تئاتر مدرسه علوی تهران. ایشان در این مصاحبه، به صراحت خطاب به سران رژیم اظهار داشت: کاری نکنید که مردم را به جهاد دعوت کنم!



۲ رهبر انقلاب اما، بیش از حضور در جلسات سیاسیون و مراوده با ایشان، به دیدار مردم دل داده بود. آنان که پس از عمری تحقیر، به حرکت آمده بودند و می‌خواستند تا خودشان باشند!



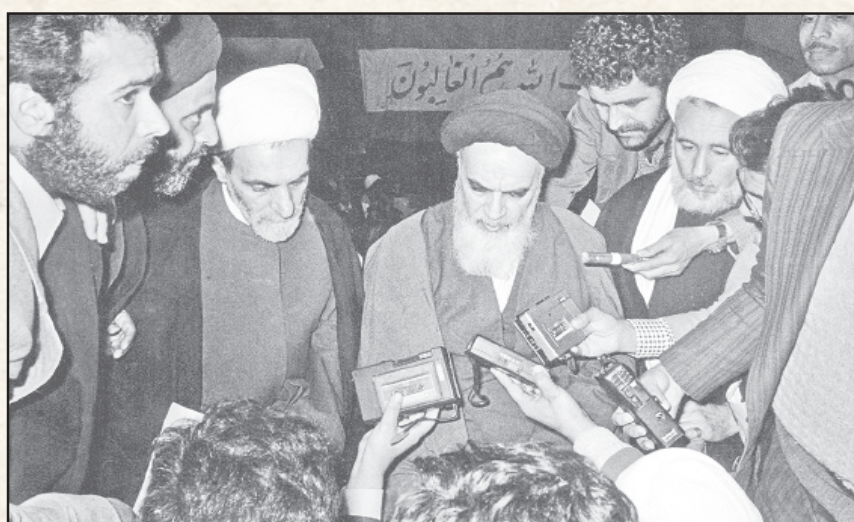
۳ یاسر عرفات رهبر پیشین سازمان آزاد پیکش فلسطین، نخستین چهره خارجی بود که به ایران آمد و پیروزی انقلاب اسلامی را به امام خمینی و ملت ایران تبریک گفت



۴ آرادک مانو کیان اسقف اعظم ارمنه تهران، با حضور در مدرسه علوی تهران، با امام خمینی دیدار کرد. در این دیدار، آیت‌الله سید محمود طالقانی نیز حضور داشت



۵ صبحگاه ۱۰ اسفند ۱۳۵۷. امام خمینی در حال ترک مدرسه علوی تهران و عزیمت به شهر قم



۶ نماینده از دیدار هیئتی که از سوی مجلس اعلی شیعیان لبنان، برای دیدار با امام خمینی به مدرسه علوی تهران آمده‌اند. در تصویر آیت‌الله شیخ محمد مهدی شمس‌الدین دیده می‌شود

### چرا انقلاب اسلامی؟

و چرا نه به اصلاح تدریجی؟

## بی ارادگی پهلوی‌ها رهزن اصلاح و رفرم!

■ نیما احمد پور

هر چند که وقایع گذشته را نمی‌توان با معیارهای سالیان بعد سنجید و مثلاً تئوری اصلاح تدریجی راه، به مثابه یک راه‌حل جایگزین در کنار انقلاب اسلامی قرار داد، با این همه جای این پرسش است که: انقلاب عظیم اسلامی ایران، از چه روی رخ داد و چرا مردم در همان دوره نیز، راه‌حل‌های اصلاح طلبانه و رفرمیستی را نپذیرفتند و به آن وقعی ننهادند؟

شاید شاه بیت پاسخ به این پرسش راه، بتوان در وابستگی رژیم پهلوی به بیگانگان و بی‌اختیاری آن سیستم، در اصلاح و اعطای آزادی جست و جو کرد. حدود شش دهه پیش از وقوع انقلاب اسلامی، ادموند آرونساید، شاپور ریورتر، عین‌الملک هویدا و چهره‌هایی از این زمره، توانسته بودند در قصابات اطراف قزوین، رضاخان نامی را کشف و رفته رفته برگردانند؛ او طی ۲۰ سال سلطنت، جز با زبان زور و اشمعل با ملت سخن نگفت و هنگامی که موعذش به سر آمد، با اراده آوردن‌گان خویش، ایران را ترک گفت! در این دوره نیز با واسطه‌گری محمدعلی فروغی، بار دیگر انگلستان اراده کرد که شاه بعدی، فرزند شاه پیشین باشد و همچنان در غیاب ملت، سلطنت در خاندان نامیده شده به «پهلوی»، تداوم یابد! پس از وقوع نهضت ملی ایران، این بار آمریکا به مدد شاه جوان و ناتوان ایران آمد و پس از ۲۸ مرداد، او را به حاکمی مطلقه تبدیل ساخت. از این زمان به بعد، طراحان سیاسی، امنیتی و فرهنگی ایران، مثل انگلیس، آمریکا و اسرائیل بودند. از منظر بسا تاریخ‌پوهان و تحلیلگران انقلاب ایران و آکنشی گسترده به «تحقیر ایرانیان»، طی دهه‌های متعددی بود. رفتن و آمدن حاکمان با اراده خارجی و در غیاب مردم، بزرگ‌ترین تحقیری است که می‌توان در حق یک ملت روا داشت. اکنون به پرسش صدر این مقال بازمی‌گردیم: آیا می‌توان در برابر چنین حکومتی، رویکرد اصلاحی برگزید و به تدریج آن را به طریق صواب رهنمون ساخت؟ بی‌تردید پاسخ منفی است، چه اینکه وابستگی مانع از اراده مستقل برای اصلاح است و عقب‌نشینی چنین حکومت‌هایی به دستور اربابان نیز، مآلاً به پیشروی بعدی و گسترده آنان و از بین بردن تمامی دستاوردهای اصلاحی می‌انجامد! دگر نکته در این میان، فارغ بودن انقلابات از اراده شخصی است. اندیشه و روح جمعی حاکم بر یک ملت، به مرور تشخیص می‌دهد که یک سیستم اصلاح‌ناپذیر است و جز سخن زور را بر نمی‌تابد! رهبران انقلاب نیز خواست عمومی را نمایندگی و آن را به نیکی مطرح می‌سازند. هم از این روی اگر ایشان، قدری از خواست جمعی مردم کو تاہ بیانند و به نظام حاکم امتیاز بدهند، به خودی خود از چشم مردم می‌افتند و ره به انزوا و عزلت می‌برند!

انقلاب اسلامی ایران نیز در چنین بستری اوج گرفت و به پیروزی رسید. مردم در تجربیات چندگانه خویش، اعم از اسفند ۱۲۹۹، شهریور ۱۳۲۰، مرداد ۱۳۳۲ و خرداد ۱۳۴۲ به نیکی دریافته بودند که سررشته وقایع ایران، در دستانی خارج از این مرز و بوم است و پیش از هر اقدامی باید این رسم کهنه را برانداخت! هم از این روی بود که امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در دیدار با مهندس مهدی بازرگان در نوفل‌لوشاتو، هرگونه توقف در انقلاب و احاله ادامه آن به مبارزات پارلمانی را نپذیرفت و زنهار داد که: اگر موج کنونی انقلاب فرونشیند، رژیم و اربابان خارجی آن، به شدت آن را سرکوب خواهند کرد و مانع از برآوردن دوباره آن خواهند شد!... امروز پس از سپری گشتن ۴۳ سال از این حرکت ملی و دینی، شواهد به نیکی نمایانگر آن است که رژیم گذشته، جز با انکا به بیگانگان حکم نمی‌راند و هم آنان در سالیان اخیر و به مدد رسانه‌های محور عبری-عربی، درصددند تا بار دیگر مرده ریگ سلطنت را در ذهن و ضمیر نسل‌های بعدی انقلاب زنده کنند و ایشان را در قدرت بازگردانند، هر چند که شواهد آشکار، نشان از آن دارد که آب در هاون می‌کوبند و بر آسمان بخیه می‌زنند!